

## مجلس شانزدهم و تحولات سیاسی ایران (۱۳۲۸-۱۳۳۰ ش)

### دکتر علی اکبر خدیری زاده

گروه تاریخ، واحد شهرری،  
دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری- ایران

#### چکیده

مجلس شورای ملی دوره شانزدهم (۱۳۲۸-۱۳۳۰ ش) از مجالس مهم و پرتکاپوی عصر پهلوی دوم به شمار می‌آید که در مقایسه با سایر مجالس آن دوره از اهمیت و حساسیت بسیار برخوردار بود. این مجلس در شرایطی تشکیل یافت که دولت ساعد با حمایت انگلستان و دربار پهلوی تلاش می‌کرد تا قرارداد الحاقی نفت (گس- گلشانیان) را به تصویب مجلس برساند. پس از رد قرارداد مزبور از سوی کمیسیون مخصوص نفت، زمینه ملی شدن صنعت نفت ایران فراهم گردید. با ملی شدن نفت و روی کار آمدن دولت مصدق، مجلس شانزدهم از اهمیت بیشتری برخوردار گشت و نقش موثری در تحولات سیاسی آن دوره ایفا نمود. در نوشتار حاضر به بررسی نحوه انتخابات مجلس شانزدهم، ترکیب سیاسی- اجتماعی نمایندگان، مصوبات عمده و اثرگذار مجلس و چگونگی روابط مجلس با دولت مصدق پرداخته شده است. کلید واژگان: مجلس شانزدهم، قرارداد گس- گلشانیان، ملی شدن نفت، احزاب سیاسی، مصدق.

پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه فضای باز سیاسی در کشور پدید آمد. در این دوره گروه‌های مختلف سیاسی هر یک بنا بر منافع گروهی و طبقاتی خود دست به تاسیس احزاب گوناگون زدند، در حالی که در دوران دیکتاتوری رضاشاه، حتی نام بردن کلمه حزب نیز خطر زندان و تبعید را به همراه داشت. در این دوره مجلس شورای ملی به صورت مرکز مستقل قدرت درآمد. هر چند انتخابات مجلس هنوز هم تا حدی در کنترل شاه، دولت، ملاکان و سفارتخانه‌های خارجی بود، اما به تدریج مقداری از دموکراسی بر آن حاکم‌گویی دین‌گرایان ناشی

از جنگ جهانی دوم، جوان و بی‌تجربه بودن محمدرضا پهلوی شاه جوان، و حضور برخی از رجال ملی وفادار به نظام مشروطه، از اعمال فشار دولت و دربار بر مجلس می‌کاست. اما در عین حال به دلیل حضور پاره‌ای نمایندگان فرصت‌طلب و وابسته به دربار و بی‌توجهی دولت‌های محافظه‌کار نسبت به مصوبات مجلس، امکان برقراری حاکمیت قانون و تحقق مشروطه واقعی تقریباً ناممکن می‌نمود. به بیان دیگر «دموکراتیک نبودن دولت‌ها در ایران و فاصله شدید میان حکومت و مردم و نیز سیاست باندی و قبیله‌ای و وجود دسته‌جات و گروه‌های متعدد در ایران سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ مانع پیدایش و گسترش یک نظام پارلمانی کارآمد و مبتنی بر قانون و برخوردار از حمایت مردم شد».<sup>۱</sup> در چنین شرایطی دولت‌ها انتخابات مجلس را از طریق وزارت کشور به شدت کنترل می‌کردند و جز در موارد نادر، اجازه ورود افراد مستقل به مجلس را نمی‌دادند. یعنی پارلمان را به صورت تشکیلاتی فرمایشی به منظور تأیید تصمیمات خود در می‌آوردند و با تضعیف آن از سوی حاکمیت، نهادهای مشارکتی و قانونی از کار می‌افتادند. از طرف دیگر جناح منتقد نظام چه در داخل مجلس و چه در درون جامعه، قدرت حضور در صحنه سیاسی را از دست داد.<sup>۲</sup>

با همه این اوصاف، مجلس در طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ ش در راستای عزل و نصب وزرا و معدود مصوبات ارزشمند، از نفوذ بیشتری برخوردار بود. تصمیمات سرنوشت‌سازتری در روابط خارجی ایران با قدرت‌های بزرگ اتخاذ کرد. به عنوان نمونه روز ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ هنگامی که وزیر **دلاکلیشایان** قرارداد الحاقی نفت (گس - گلشایان) را با قید یک فوریت تقدیم مجلس پانزدهم نمود، حسین مکی اولین نماینده‌ای بود که با فوریت لایحه مخالفت کرد. سپس در بیان علت مخالفت خود گفت:

«وضع مملکت غیرعادی است. جراید را تعطیل کرده‌اند تا جلو افکار عمومی را بگیرند و نگذارند در این مورد اظهارنظر کنند. آقایان امروز آزادی نیست ... و کسی حق اظهارنظر و عقیده را ندارد تا نسبت به مسئله نفت بحث و انتقاد کند. هر نوع قراردادی که بسته شود به عقیده من افکار عمومی در آن دخالت ندارد و اعلام می‌کنم به واسطه فورس‌ماژور صحیح نیست و حق ملت ایران استیفاء نشده است»<sup>۳</sup>.

مجلس پانزدهم اگرچه تقاضای دولت مبنی بر طرح لایحه نفت را پذیرفت لیکن تلاش‌های دولت ساعد و اکثریت نمایندگان مجلس برای تصویب قرارداد مزبور در اثر مقاومت شجاعانه اقلیت مجلس بی‌ثمر ماند. آخرین جلسه مجلس نیز بدون اخذ نتیجه پایان یافت و تصمیم در این مورد به مجلس شانزدهم محول شد.

**انتخابات مجلس شانزدهم:** انتخابات مجلس شانزدهم که به دلیل مطرح بودن قرارداد گس - گلشائیان از اهمیت بسیار برخوردار بود، در دوره نخست‌وزیری محمد ساعد برگزار شد. این انتخابات اگرچه از شهریور ۱۳۲۸ در شهرهای مختلف آغاز و تا اواخر آبان ماه به پایان رسید اما به علت دخالت آشکار و پنهان دولت و درگیری و تقلب و در نهایت ابطال صندوق‌ها، تا اسفند ۱۳۲۸ به طول انجامید. در حوزه انتخابیه تهران و لواسانات به علت تقلب آشکار دولت و نبود انتخابات آزاد، نیروهای ملی به رهبری محمد مصدق دست به اعتراض زدند. هنگامی که اعتراض‌کنندگان به حیاط دربار رسیدند کمیته‌ای دوازده نفری به سرپرستی مصدق انتخاب کردند تا با هژیر وزیر دربار گفت‌وگو کنند. این کمیته که به هسته اولیه جبهه ملی تبدیل شد از سه گروه تشکیل یافته بود. اعضای گروه اول عبارت بودند از: سیاستمداران ضددربار برجسته‌ای مانند امیر علایی، حقوقدان و اشراف‌زاده‌ای که در دولت قوام خدمت کرده بود؛ محمود نریمان کارمند عالی‌رتبه‌ی مستقلی که او هم در دوره‌ی قوام خدمت کرده بود؛ و یوسف مشار اعظم دوست قدیمی مصدق و سیاستمدار کهنه‌کاری که توسط رضاشاه از کشور اخراج شده بود. گروه دوم را این گونه سیاستمداران مرتبط با بازار تشکیل می‌دادند: سیدابوالحسن حائری‌زاده متحد نزدیک کاشانی از زمان مبارزات ضدجمهوری‌خواهی در سال ۱۳۰۳؛ مظفر بقایی، حقوقدان تحصیلکرده اروپا، حسین مکی کارمند جوانی از یک خانواده بازاری یزدی که دیدگاه مثبتی به روحانیون و نظر خصمانه‌ای به سلطنت پهلوی داشت. سومین و مهم‌ترین گروه این کمیته را شماری از تندروهای جوان و تحصیلکرده غرب تشکیل می‌دادند مانند کریم سنجابی، احمد زیرک‌زاده، علی شایگان، حسین فاطمی و احمد رضوی. اعتراض در باغ کاخ سلطنتی آن چنان موثر بود که دربار وعده داد

تا به بی‌نظمی‌های انتخاباتی پایان دهد. پس از این وعده، کمیته‌ی دوازده نفری، هواداران خود را پراکنده ساخت و به منزل مصدق بازگشتند و پس از بحث‌های طولانی تصمیم گرفتند تا ائتلاف گسترده‌ای به نام جبهه‌ی ملی تشکیل دهند. جبهه‌ی ملی در نخستین بیانیه‌ی عمومی خود سه خواسته‌ی مشخص را مطرح کرد؛ برگزاری انتخابات درست، لغو حکومت نظامی و آزادی مطبوعات. همچنین شرکت‌کنندگان در این جلسه، مصدق را دبیرکل جبهه انتخاب کردند و کمیته‌ای برای تدوین برنامه و اساسنامه‌ی جبهه تعیین کردند. درهالی بعد چهار سازم ان حزب ایران، حزب زحمتکشان، حزب ملت ایران و جامعه مجاهدین اسلام به جبهه‌ی ملی پیوستند و پشتیبانان اصلی مصدق را تشکیل دادند.<sup>۴</sup>

بنابراین جبهه ملی با اقتدار قابل توجهی در انتخابات مجلس شرکت کرد و در شهرهای اصلی از جمله تهران، اصفهان، یزد، شیراز، کرمان و کاشان نامزدهایی داشت. این جبهه در دانشگاه تهران و بازار نیز یک رشته گردهمایی عمومی برگزار کرد که اوج این اقدامات، گردهمایی دوازده هزارنفری خارج از مجلس (میدان بهارستان) بود. همچنین دربار را به پافشاری در طرح نقشه‌هایی برای دست بردن در نتایج انتخابات متهم ساخت. وقتی که در ۱۴ آبان ۱۳۲۸ هژیر وزیر دربار در مسجد سپهسالار هدف گلوله‌ی سیدحسین امامی قرارگرفت و چند ساعت بعد درگذشت این مبارزه به اوج خود رسید. ساعد (نخست وزیر) بلافاصله انتخابات را متوقف و چندی بعد دستور برگزاری مجدد انتخابات تهران را صادر کرد. ترور هژیر ضمن آنکه هشدار جدی به دولت محسوب می‌شد زمینه‌ی پیدایش یک جنبش ضداستعماری به رهبری جبهه ملی را فراهم آورد. سرانجام در این انتخابات، محمد مصدق، ابوالحسن حائری‌زاده، علی شایگان، عبدالقدیر آزاد، مظفر بقایی، اللهیار صالح، حسین مکی و محمود نریمان از اعضای جبهه ملی به مجلس راه یافتند.<sup>۵</sup>

مجلس شانزدهم از لحاظ ترکیب اجتماعی تفاوت چندانی با مجالس پیشین نداشت زیرا اغلب اعضای تشکیل دهنده‌ی آن از طبقات بالای جامعه بودند. ۸۵ درصد از ۱۳۱ نماینده‌ی مجلس را زمین‌داران، تجار ثروتمند و یا کارمندان عالی رتبه‌ی دولت تشکیل می‌دادند.<sup>۶</sup> از نظر سیاسی نیز این مجلس به چهار گروه تقسیم می‌شد: نمایندگان اندک جبهه ملی؛ یک فراکسیون طرفدار انگلیس متشکل از اعیان محافظه کار جنوب؛ حدود چهل نماینده‌ی برجسته‌ی مستقل، مانند ابوالقاسم امینی، خسرو قشقایی و ناصر ذوالفقاری و اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان سلطنت طلب.<sup>۷</sup>

بر اساس آنچه که مصدق در خاطرات خود می‌نویسد نمایندگان مجلس شانزدهم به دو دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول نمایندگانی که سیاست خارجه (انگلستان) با انتخابشان مخالف نبود و به هر طریقی که توانسته بودند وارد مجلس شده بودند و به دو گروه تقسیم می‌شدند:

الف) نمایندگانی که به استقلال و آزادی مملکت اعتقادی نداشتند و برای آنها مهم نبود که مملکت با نظر ایرانیان اداره شود یا بیگانگان.

ب) نمایندگانی که می‌خواستند ایران به دست ایرانیان اداره شود ولی اوضاع و احوال به آنها اجازه نمی‌داد و این جرأت را هم نداشتند که برای انجام مقصود زمینه فراهم کنند. فرق این دو دسته با هم این بود که اولی با هر کاری که می‌خواست چند گام مملکت را پیش ببرد مخالفت می‌کرد، در صورتی که گروه دوم به شرط نداشتن محظورات کمک هم می‌کرد. دسته دوم نمایندگان جبهه‌ی ملی بودند که به دو گروه تقسیم می‌شدند:

الف) نمایندگانی که به آزادی و استقلال مملکت ایمان داشتند و هیچ چیز آنها را از عقیده و ایمان خود منحرف ننمود و تا آخرین لحظه در عقیده‌ی خود باقی ماندند.

ب) نمایندگانی که آزادی و استقلال را وسیله‌ی پیشرفت اغراض و مقام قرار داده و از همان ماه‌های اول تشکیل دولت مصدق، سرلشکر زاهدی وزیر کشور را نامزد نخست‌وزیری کردند.<sup>۸</sup>

### مجلس شانزدهم و تحولات سیاسی

مجلس شانزدهم در ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ آغاز به کار کرد و چندی بعد دولت ساعد را که تلاش بسیار برای تصویب قرارداد نفتی گس-گلشائیان از خود نشان داده بود از کار برکنار و به جایش دولت علی منصور را برگزید. (۱۴ فروردین ۱۳۲۹)

دولت منصور همانند دولت پیشین ترکیبی از عناصر طرفدار انگلستان و وابسته به دربار محمدرضا شاه بود. در این هنگام جبهه ملی، دولت و دربار را زیر فشار قرار داد و اعلام داشت که گرچه نمایندگان اندکی در مجلس دارد، صدای آنها رسا و پرطنین خواهد بود زیرا صدای تمام ملت ایران است.<sup>۹</sup> مصدق نیز اعلام داشت که ترکیب دولت جدید نشان‌دهنده‌ی افزایش بیش از اندازه‌ی قدرت سلطنتی است. وی استدلال کرد که اگر کشور در معرض تهدید هیچ قدرت خارجی نیست، بودجه‌ی ارتش باید کاهش یابد.<sup>۱۰</sup> در این هنگام سیدابوالقاسم کاشانی نیز پیامی مبنی بر اعتراض به ادامه‌ی تبعیدش در بیروت به مجلس فرستاد و هشدار داد ملتی که برای به

دست آوردن مشروطه و قانون اساسی خون داده است هرگز قربانی دیکتاتورها و مستبدان نخواهد شد.<sup>۱۱</sup>

در خرداد ۱۳۲۹ قرارداد نفتی گس- گلشائیان در مجلس مطرح شد و دولت پیشنهاد کرد کمیسیونی برای رسیدگی به این قرارداد تشکیل شود. در اوایل تیرماه ۱۳۲۹ چند روز پس از تشکیل کمیسیون نفت، دولت منصور که توان رویارویی با بحران سیاسی احتمالی ناشی از مطرح شدن قرارداد نفتی گس- گلشائیان را نداشت از مقام خود استعفا داد و جای خود را به دولت سپهبد حاجی علی رزم‌آرا داد.

دولت رزم‌آرا از نخستین روز زمامداری خود با مخالفت نمایندگان اقلیت مجلس شانزدهم و طبقات مختلف مردم مواجه شد. هنوز چند ماه از نخست‌وزیری وی نگذشته بود که تعدادی از نمایندگان اکثریت را که قبلاً از طرفدارانش بودند از دست داد. در اولین روز معرفی کابینه خود، هنگام ورود به مجلس مورد اعتراض تعدادی از نمایندگان قرار گرفت و در هنگام معرفی اعضای کابینه نیز با تظاهرات گسترده مردم بر ضد دولت خود مواجه شد. واکنش منفی نمایندگان بر ضد دولت رزم‌آرا را مصدق در جلسه ۶ تیرماه ۱۳۲۹ آغاز کرد. وی گفت:

جبهه ملی ایران اعلام خطر می‌کند و لازم می‌داند علل و جهاتی را که موجب روی کار آمدن کابینه جدید شده به اطلاع افکار عمومی جهان برساند.<sup>۱۲</sup>

در چنین وضعیتی «انگلیسی‌ها و شرکت نفت نیز به خاطر حفظ منافع خود، به خصوص نفت، از سپهبد رزم‌آرا پشتیبانی می‌کردند و با وجود رقابت با آمریکایی‌ها، در یک اصل اتفاق نظر داشتند که اگر در ایران اصلاحاتی ولو ظاهری انجام نشود و فاصله طبقاتی تعدیل نگردد، خطر انقلاب اجتماعی منافع آنها را تهدید خواهد کرد و از سوی دیگر موقعیت سیاسی و استراتژیکی آنها در برابر شوروی تضعیف خواهد شد. انگلیسی‌ها امیدوار بودند که در دوران نخست‌وزیری رزم‌آرا لایحه قرارداد الحاقی به تصویب مجلس برسد و مشکل نفت به سود آنها حل شود».<sup>۱۳</sup>

جبهه ملی ایران، نخست‌وزیری رزم‌آرا را «شبه کودتا» نامید و خطر استقرار یک رژیم دیکتاتوری نظامی را به ملت ایران هشدار داد. رزم‌آرا تلاش کرد تا با مصدق و جبهه ملی به یک توافقی دست پیدا کند اما چون از این کار نتیجه‌ای نگرفت در صدد برآمد از اختلاف بین حزب توده و جبهه ملی به سود خود بهره‌برداری کند. در این زمان رهبران حزب توده که پس از واقعه سوء قصد به شاه، دستگیر و زندانی بودند، از زندان قصر فرار داده شدند. رزم‌آرا امیدوار بود منافع انگلیس و آمریکا را بر سر نفت به طریقی تأمین کند و بدون برخورد با انگلستان و آمریکا، با

شوروی نیز روابط دوستانه برقرار سازد. بدین منظور برای جلب حمایت شوروی، از ادامه‌ی کار رادیو صدای آمریکا در ایران جلوگیری کرد و روابط سیاسی و تجاری ایران را با شوروی توسعه داد.<sup>۱۴</sup>

مصدق و نمایندگان اقلیت مجلس شورای ملی در راستای مبارزه با دولت رزم‌آرا و عدم تصویب لایحه قرارداد نفتی گس - گلشائیان فعالیت خود را آغاز کردند. کمیسیون نفت در نخستین نشست خود به ریاست مصدق، از دولت خواست که پرونده نفت را در اختیار کمیسیون قرار دهد. چند روز بعد، دولت پرونده نفت را به کمیسیون فرستاد اما چون از اظهارنظر درباره لایحه خودداری می‌کرد، نمایندگان جبهه ملی و دوتن از اعضای کمیسیون، دولت را به علت تعلل در اجرای قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶، استیضاح کردند.<sup>۱۵</sup>

در جلسات استیضاح از دولت رزم‌آرا که چهار روز به طول انجامید، نمایندگان جبهه ملی بیش از دوازده ساعت درباره مفاد لایحه قرارداد الحاقی و بی‌اعتبار بودن قرارداد ۱۹۳۳م سخن گفتند. اللهیار صالح اظهار داشت:

در دنیا دو عامل قوی، سرنوشت ممالک عقب افتاده را تعیین می‌کند؛ این دو عامل یکی پول است و دیگری زور. شرکت نفت انگلیس و ایران که هر دو عامل را در اختیار دارد، در شئون اجتماعی کشور رخنه کرده و مانع رشد اجتماعی ملت ایران شده است.<sup>۱۶</sup>

در پایان مذاکرات، اکثریت نمایندگان به استیضاح اقلیت رأی سکوت دادند. در جلسه‌ی پانزدهم کمیسیون نفت، سپهد رزم‌آرا و چند تن از اعضای کابینه به منظور دفاع از لایحه قرارداد الحاقی حضور یافتند. جمال امامی با عنوان این مطلب که لغو قرارداد ۱۹۳۳ به صلاح نیست از طرف اکثریت اعضای کمیسیون خواستار شد که دولت با شرکت نفت مذاکره کند و قرارداد منصفانه‌تری به مجلس پیشنهاد نماید. در جلسه بیست و دوم کمیسیون نفت (۴ آذر ۱۳۲۹) پاسخ مصدق به نامه غلامحسین فروهر وزیر دارایی که در آن از لایحه الحاقی دفاع کرده بود، قرائت شد. مصدق ضمن رد نظریات وزیر دارایی، تز ملی کردن صنعت نفت را در سراسر کشور مطرح ساخت و در پایان این نامه، پیشنهاد جبهه ملی را به شرح زیر قرائت کرد:

بنام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تامین صلح جهانی امضاکنندگان زیر پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت در مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود. یعنی عملیات اکتشافی، استخراج و بهره‌برداری در دست ملت ایران قرارگیرد.<sup>۱۷</sup>

کمیسیون نفت اگرچه این پیشنهاد را نپذیرفت لیکن در پایان جلسات خود اعلام داشت:

پس از مذاکرات و مطالعات به این نتیجه رسید که قرارداد الحاقی ساعد- گس، کافی برای استیفای حقوق ایران نیست، لذا مخالفت خود را با آن اظهار می‌دارد.<sup>۱۸</sup>

دولت رزم‌آرا علاوه بر لایحه قرارداد الحاقی نفت، دو لایحه اصلاحی مهم به مجلس ارائه داد: یکی در مورد توزیع زمین‌های دولتی در بین دهقانان و دیگری برای ایجاد انجمن‌های ایالتی که در قانون اساسی مشروطه تصریح شده بود. ارائه‌ی این دو لایحه به مجلس باعث ایجاد مشاجره بین دولت و مجلس گردید. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به اعتقاد نمایندگان باعث عدم تمرکز سیاسی و تجزیه کشور می‌شد. مصدق استدلال کرد که اگر دولت واقعاً خواهان اصلاحات بود، تلاش‌های خود را متمرکز به جلب موافقت مجلسین برای تجدیدنظر در قانون انتخابات می‌کرد. مصدق همچنین برای رفع هرگونه سوءتفاهم بیانیه‌ی جبهه ملی را به شرح زیر قرائت کرد:

جبهه ملی با آنچه در قانون اساسی در باب ایالات و ولایات و شهرها ذکر شده موافقت کامل دارد و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی را که بر طبق قوانین موجوده تشکیل گردید لازم و مفید می‌داند و به عکس با هر قانون دیگری که بالمال و سیله‌ی تجزیه مملکت قرار گیرد ولو آنکه ظواهر آن هم فریبنده و جالب تهیه شده باشد با تمام قوا مخالفت می‌نماید.<sup>۱۹</sup>

مصدق در ادامه‌ی اظهارات خود اعلام داشت این لایحه را اشخاصی تهیه کرده‌اند که سالها فکر تجزیه‌ی ایران را در مغز خود پرورانده‌اند. در مورد لایحه توزیع زمین‌های دولتی نیز یکی از نمایندگان اظهار داشت که بحث از اصلاحات ارضی نه تنها به رقابت‌های طبقاتی دامن می‌زند بلکه موضوعات نامربوطی را مطرح می‌کند.<sup>۲۰</sup>

پیگیری قرارداد نفتی گس- گلشائیان مهمترین کار دولت رزم‌آرا بود. پس از رد لایحه قرارداد الحاقی و در شرایطی که جنبش مردم ایران برای ملی کردن صنعت نفت توسعه می‌یافت، دولت رزم‌آرا برای جلوگیری از تصویب طرح ملی شدن نفت، لایحه قرارداد نفتی مزبور را از مجلس پس گرفت و به مذاکرات خود با نمایندگان شرکت نفت و سفیر کبیر انگلستان ادامه داد و پیشنهادات جدیدی از سوی آنها دریافت کرد لیکن از افشای پیشنهادهای مزبور اجتناب ورزید تا آنکه سرانجام در روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ جمعیت فدائیان اسلام یکی از اعضای خود به نام خلیل طهماسبی را مأمور کشتن وی کرد.

یک روز پس از ترور رزم‌آرا کمیسیون نفت به اتفاق آرا پیشنهاد نمایندگان مجلس مبنی بر ملی شدن صنعت نفت ایران را به تصویب رساند و دو روز بعد حسین علاء مأمور تشکیل کابینه



جدید شد. هنگامی که مجلس شورای ملی در ۲۴ اسفند و مجلس سنا در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت را تصویب کردند دولت علاء دست به اقدامی نزد چند روز بعد سفیر انگلیس طی نامه‌ای خطاب به علاء تأکید کرد که انگلستان اختلاف دولت ایران و شرکت نفت را به دیوان بین‌المللی لاهه ارجاع خواهد داد، اما علاء پاسخ داد که مجلسین شورای ملی و سنا به اتفاق آرا تصمیم به ملی کردن صنعت نفت گرفته‌اند و کاری از عهده وی ساخته نیست. متعاقب آن دولت علاء که از یک سو با اعتصاب کارگران شرکت نفت در خوزستان مواجه شده بود و از سوی دیگر توان اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و رویارویی با انگلستان را نداشت ناچار به استعفا شد.<sup>۲۱</sup>

### مجلس شانزدهم و دولت مصدق

پس از استعفای حسین علاء، مجلس شورای ملی در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ تمایل خود را با اکثریت هفتاد و نه رأی از مجموع یکصد و یک رأی حاضر در جلسه به نخست وزیری محمد مصدق - نماینده مردم تهران در مجلس و رئیس کمیسیون نفت - اعلام داشت. در این جلسه پس از قرائت طرح سه فوریتی راجع به ترتیب اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت و پیشنهاد طرح نه ماده‌ای مصدق، سخنان نمایندگان موافق و مخالف پیرامون آن مطرح شد.<sup>۲۲</sup> در پایان سخنان مخالفان و موافقان رأی گیری به عمل آمد و مواد نه گانه به اتفاق آرا به تصویب رسید. در جلسه ۱۲ اردیبهشت، نخست وزیر به معرفی کابینه و برنامه دولت خود پرداخت. مصدق برنامه دولت خود را در دو موضوع محدود ساخت:

۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون و تخصیص درآمد

حاصله به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها.<sup>۲۳</sup>

در جلسه ۱۵ اردیبهشت، مجلس طرح و برنامه دولت را به تصویب رساند و به کابینه مصدق رأی اعتماد داد. مصدق هشت پست وزارت، از جمله وزارت مهم کشور و امور خارجه را به دولتمردان عالی رتبه هوادار جبهه ملی واگذار کرد ولی چهار پست دیگر، از جمله وزارت جنگ را در اختیار افراد طرفدار دربار قرار داد. این اقدام، بلافاصله، خشم فدائیان اسلام را برانگیخت و آنها دولت را به دلیل نادیده گرفتن شریعت و آزاد نکردن قاتل رزم‌آرا به باد انتقاد گرفتند.<sup>۲۴</sup>

در جلسه نوزدهم خرداد، امامی اهری در مورد شکایت دولت انگلستان از ایران به دادگاه لاهه، اظهار داشت، یکی از موارد صلاحیت دادگاه لاهه هنگامی است که طرفین به میل خود به دادگاه متظلم شده، تقاضای رسیدگی نمایند و در این مورد نه تنها از طرف دولت ایران چنین تقاضایی نشبلمکه صراحتاً اظهار مخالفت شده و عدم صلاحیت دیوان مزبور در رسیدگی به شکایت دولت انگلستان اعلام شده و در قرارداد بین ایران و شرکت نفت نیز ماده‌ای که متضمن رجوع اجباری به دادگاه را پیش‌بینی کرده باشد وجود ندارد.<sup>۲۵</sup>

مصدق در ادامه تلاش‌های خود برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و رفع موانع و مشکلات اقتصادی در ۲۰ تیر ۱۳۳۰ به مجلس رفت و سه لایحه راجع به استقراض داخلی و خارجی به مجلس تقدیم کرد وی همچنین مشکلات اقتصادی کشور را ناشی از دو عامل اساسی ذکر کرد: ۱- مشکلات ارزی ناشی از عدم فروش نفت ۲- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و پرداخت هزینه‌های شرکت نفت.<sup>۲۶</sup>

در جلسه ۲۳ تیرماه، محمود نریمان ضمن بیان اهمیت ملی شدن صنعت نفت ایران اعلام داشت:

ملی شدن صنعت نفت ایران گذشته از اینکه برای صلح جهان یک عامل بسیار موثری می‌باشد، یک سنگ محک خوبی است که معلوم کند آیا الفاظ و کلمات فریبنده از قبیل حقوق بشر و عدالت بین المللی و دموکراسی و مساوات و بشردوستی و نوع‌پروری مصداق خارجی و حقیقت باطنی دارد یا خیر. آیا تمام تلاش و کوشش مذبحانه که کمپانی سابق نفت و دولت بریتانیا برای جلوگیری از اعمال این حق مشروع ملت ایران می‌کند جز این است که کمترین اعتباری برای این الفاظ و کلمات و منشورها و اعلامیه‌ها و حقوق بشر قائل نمی‌باشد.<sup>۲۷</sup>

در روز ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ رهبری حزب توده به مناسبت سالروز اعتصاب کارگران شرکت نفت در خوزستان و ورود هریمن فرستاده‌ی ایالات متحده آمریکا به تهران، تظاهرات وسیعی ترتیب داد. در آن روز نزدیک به بیست هزار نفر از اعضای حزب توده و طرفداران آن در میدان بهارستان اجتماع کردند و پس از سر دادن شعارهایی بر ضد انگلیس و آمریکا، با افراد حزب زحمتکشان به زد و خورد پرداختند. سرانجام با دخالت و تیراندازی نیروهای انتظامی حدود بیست نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند. در پی این رویداد نمایندگان مجلس واکنش متفاوتی از خود نشان دادند. نخستین نماینده‌ای که در این زمینه به مخالفت برخاست جمال امامی بود. وی گفت:

بنده ایرادی به ماهیت امر ندارم که چرا دولت دستور داده است تیراندازی بشود و یک عده‌ای مقتول بشوند. تایید هم می‌کنم از این هم شدیدتر نکنند. من ایراد دارم که چرا دولت جلوی آن را نگرفته است. ایراد دارم که چرا می‌گذاشتند که کانون درست بکنند چرا گذاشتید که میتینگ بدهند. سخنران دیگر مجلس عماد تربتی نیز که از مخالفان دولت بود به نقد حادثه ۲۳ تیر پرداخت و اظهار داشت:

اوضاع امروز و هرج و مرج کشور موجب شد که بنده مهر سکوت را در هم بریزم و وضع دولت را از لحاظ اینکه قضایا را پیش‌بینی نمی‌کند در معرض انتقاد قرار بدهم. انتقاد بنده فقط روی یک اصل است و آن اصل این است که دولت ما پیش‌بینی نمی‌کند حوادث و قضایا را و این حادثه ثابت می‌کند که در مملکت ما هرج و مرج است. در مرکز کشور آدم می‌کشند و دولت نمی‌تواند و قدرت ندارد از حوادث شوم جلوگیری کند.<sup>۲۸</sup>

عبدالقادر آزاد نیز که به جمع مخالفان دولت مصدق پیوسته بود در مورد حادثه ۲۳ تیر زبان به انتقاد گشود و اظهار داشت:

دولت چرا وقوع حادثه را پیش‌بینی نکرد؟ دولت چرا احتیاط لازم را به عمل نیاورد؟ من مسئولیت تمام این حوادث و کشتارها را بر عهده دولت می‌دانم و دولت را مقصر و مسئول معرفی می‌کنم و از مجلس هم خواستارم فوراً تکلیف دولت را معلوم کنند.<sup>۲۹</sup>

در جلسه ۲۷ تیرماه نیز نمایندگان مجلس به بررسی علل حادثه ۲۳ تیرماه پرداختند. حائری‌زاده دومین سخنران پیش از دستور در این مورد اظهار داشت:

این واقعه مسلم است که با تهیه قبلی در موقع ورود میهمان آمریکا [هیرلین کمونیست] نشان‌دادن ملت ایران و نبود امنیت و انتظام در ایران ایجاد شد. ما فراموش نکردیم قتل مأمور آمریکایی ایمری را که در موقع امتیاز نفت شمال، کمپانی جنوب در ایران به عنوان مقدمات آن را فراهم ساخت و خیلی متأسفم که بواسطه‌ی نبودن فرهنگ جمعی، ایرانی فدای مصالح کمپانی شد ... دهلی انگلستان کاملاً وارد است. چه به عنوان دست چپ باشد چه به عنوان دست راست باشد. اگر فرهنگ ما سطحش بالا آمده بود گرفتار این دردهای بی‌درمان نشده بودیم.<sup>۳۰</sup>

برومند سومین سخنران پیش از دستور نیز علت وقوع این حادثه را فقدان حزب در ایران، تحریک خارجی‌ها و فقر عمومی دانست.<sup>۳۱</sup>

در جلسه سی‌ام تیرماه شایگان نخستین سخنران قبل از دستور گزارشی از شرکت خود در دادگاه لاهه ارائه کرد و اظهار داشت در مصاحبه با خبرنگاران اعلام کردم که از نظر ملت ایران مسئله سیاسی، ملی و استقلال بیش از مسئله‌ی اقتصادی مورد توجه است. اشاره کردم و گفتم

همین الان دولت ایران به من اطلاع دادند که در اسناد مکشوفه سندی بدست آمده از انگلیسی‌ها که روشن کرده آنها در امور داخلی ایران مداخله می‌کرده‌اند. با گذشت زمان و تلاش‌های دولت برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت ایران بر شدت انتقادهای مخالفان دولت افزوده می‌شد. در جلسه سی و یکم شهریور سه تن از نمایندگان مخالف دولت در نطق پیش از دستور خود به انتقاد شدید از عملکرد دولت و وضعیت مملکت پرداختند. ابتدا شوشتری در سخنان خود اظهار داشت:

اینجانب با نخست‌وزیری دهنصدق مخالف بودم و فعلاً هم مخالفم و از نظر خود عدول نکرده و با آقایان مخالفین دیگر همصدا شده و در جلسات گذشته حضور پیدا نکردیم خواستیم به ملت ایران و دنیا بفهمانیم چه وضعیتی را دولت فعلی فراهم کرده و چطور آزادی افکار و افراد در معرض تهدید و ترور قرار گرفته است.<sup>۳۳</sup>

صفایی نماینده دیگر مخالف دولت نیز در نطق خود گفت:

من اصولاً معتقدم کسی تواند زمامدار خوب و شایسته ای برای مردم کشور خود باشد که همیشه دور از احساسات و با منطق و دلیل و رعایت اوضاع زمان و مکان به کارها تمسیت دهد. از تظاهرات بپرهیزد. من نمی‌توانم به زمامداری اشخاصی معتقد شوم که به احساسات بیش از منطق و دلیل ارزش می‌دهند.<sup>۳۴</sup>

تیمورتاش سومین ناطق پیش از دستور نیز به شدت به انتقاد از دولت مصدق پرداخت و اعلام نمود که «دکتر مصدق به قول خودشان رفیق چهل ساله پدر و پدر بزرگم چه حیف که ایادی آن جناب، من و خانواده‌ام را جیره‌خوار خوان نعمت نفت دانند و زنازاده سفارت انگلیس خوانند».<sup>۳۵</sup>

در جلسه دوم مهرماه نیز سه تن مخالفان دولت در نطق پیش از دستور خود به انتقاد شدید از اوضاع نامناسب کشور پرداختند. ابتدا جمال امامی و سپس پیراسته به انتقاد علنی از دولت پرداختند. مظفر بقایی هم به عنوان سومین سخنران پیش از دستور اظهار داشت:

برای جلوگیری از مخاطراتی که این کشور را تهدید می‌کند ما باید توجه بیشتری به طبقات زحمتکش بنمائیم. دولت فعلی و جبهه ملی زیادتر از دولت‌های دیگر مدیون طبقه کارگر می‌باشند ... ولی متأسفانه نه تنها توجه کافی به این طبقه مبذول نشده است بلکه در حدود ممکنات فعلی هم به نفع ایشان کاری انجام نگرفته است و کارگران همچنان با فقر و محرومیت دست به گریبان هستند.<sup>۳۶</sup>

در جلسه نهم مهرماه نمایندگان اقلیت مجلس به دلیل در پیش بودن مسافرت نخست وزیر به شورای امنیت سازمان ملل متحد دست از انتقادات همیشگی خود بر ضد دولت برداشتند و به گونه‌ای متفاوت سخن گفتند. شوشتری نخستین سخنران پیش از دستور اظهار داشت:

آقایان نمایندگان محترم اقلیت، استدعا دارم مادام که موضوع در شورای امنیت برخلاف مطرح است از انتقاد دست برداشته به بیگانگان بفهمانند چون پای شما به میان آمد، ایرانی همه به یک صدا به روش شما معترضند و در داخله اختلافی در مقابل خارجیان با هم ندارند.<sup>۳۷</sup>

اسلامی نیز به عنوان دومین سخنران اعلام داشت:

آقایان یک قدری تأمل بکنید و مطمئن باشید که وقتی بخواهد مصالح مملکت به خطر بیفتد ما هم با شما همصدا می‌شویم ما نباید خرابی مالیه و عدم توازن بودجه‌هایی را که به علت رشوه و ارتشاء و این مسائلی که بعد از شهریور شدت پیدا کرده است به حساب این سه چهار ماه بگذاریم.<sup>۳۸</sup>

سومین ناطق قبل از دستور پیراسته نیز گفت:

ما به حکم سنت دیرین و نیاکانی خودمان که هر موقع ملت ایران با خارجی مواجه شده است اختلافات داخلی را کنار گذاشته است و همین حقیقت بارز بوده است که ما را در برابر حوادث قرن‌ها حفظ کرده، همه‌ی رفقای اقلیت بدون استثنا تصمیم گرفتند موقتاً تا موضوع نفت ایران در شورای امنیت مطرح است از روش اقلیت و شأن اقلیت که انتقاد و حمله به دولت است، صرف نظر بکنند و موقتاً سکوت کنند و دولت را در این موقع که با یک دولت خارجی در کار نفت اختلاف دارد تضعیف نکنند.<sup>۳۹</sup>

در روز چهاردهم مهرماه ۱۳۳۰، مصدق در رأس هیئت نمایندگی ایران عازم آمریکا شد و روز ۱۵ مهرماه در میان استقبال ایرانیان مقیم آمریکا وارد نیویورک شد. در روز ۲۲ مهرماه، اولین جلسه شورای امنیت برای رسیدگی به شکایت انگلستان تشکیل شد. ابتدا نماینده دولت انگلستان درخواست دولت انگلیس را قرائت کرد. سپس مصدق به دفاع از حقانیت ایران و رد ادعاهای انگلیس پرداخت و طی سخنان خود، تعدیات شرکت نفت ایران و انگلیس و مداخله آن شرکت در امور داخلی ایران و غارت درآمدهای نفت را خاطر نشان ساخت و اعلام داشت:

شورا محل دفاع از ملل کوچک و تأمین مساوات بین دول کوچک و بزرگ است و نباید اجازه دهد که دولت‌های بزرگ از دولت‌های کوچک استفاده ناروا کنند.<sup>۴۰</sup>

آخرین جلسه شورای امنیت برای رسیدگی به درخواست انگلستان روز ۲۶ مهرماه بدون حضور نمایندگان ایران تشکیل شد. در آن جلسه پیشنهاد نماینده دولت فرانسه بدون مضمون به تصویب رسید. «درخواست دولت انگلستان تا اخذ تصمیم قطعی دیوان دادگستری بین المللی در

موضوع صلاحیت ارگان های سازمان ملل، در زمینه رسیدگی به موضوع شکایت ایران مسکوت بماند».<sup>۴۱</sup>

مصدق در سفر آمریکا ضمن شرکت در جلسات شورای امنیت با ترومن رئیس جمهور آمریکا ملاقات کرد و مذاکراتی در مورد مسئله نفت به عمل آورد که به نتیجه نرسید. روش مصدق در برابر آمریکایی‌ها، حفظ دوستی بود تا شاید از کمک‌های اقتصادی آنها استفاده کند و در عین حال از همکاری آمریکا با انگلستان جلوگیری به عمل آورد.

مصدق پس از بازگشت از سفر آمریکا، در ۳ آذر ۱۳۳۰ گزارش مسافرت و ماموریت خود را به اطلاع نمایندگان مجلس شورای ملی رسانید. نخست وزیر علت عدم پیشرفت مذاکرات مربوط به نفت را کارشکنی انگلستان قلمداد کرد و از توطئه‌های بریتانیا برای سقوط دولت پرده برداشت. در ۱۴ آذرماه ۱۳۳۰، سازمان دانشجویان حزب توده، به عنوان اعتراض به اخراج چند تن از دانش آموزان دبیرستان نوریخس، کلاس‌های درس را تعطیل کردند و با نیروهای انتظامی به زد و خورد پرداختند که در نتیجه پنج تن کشته و تعدادی از طرفین مجروح شدند. عصر آن روز عده‌ای از مخالفین حزب توده به خانه صلح و دفاتر روزنامه‌های حزب توده حمله کردند و خساراتی به تاسیسات آن وارد ساختند. جناح وابسته به دربار در مجلس شورای ملی از قبیل شوشتری، سیدمهدی پیراسته، عبدالقدیر آزاد، صفائی، جمال امامی و نصرتیان، دولت را به بهانه ناتوانی در حفظ امنیت تهران مورد انتقاد شدید قرار دادند. جمال امامی در جلسه ۱۷ آذرماه دولت مصدق را عامل اصلی کشتار چهاردهم آذر معرفی کرد و اظهار داشت:

شما با حزب توده مبارزه می‌کنید بعد می‌روید جرائد ضدتوده‌ای را غارت می‌کنید. پس بگوئید هرکس با دولت ما مخالف است یا موافق نیست با او مبارزه می‌کنیم.<sup>۴۲</sup>

عبدالقدیر آزاد نیز ضمن انتقاد از دولت اعلام داشت:

این قتل و غارت را دستگاه شهربانی و چند نفر از عمال جبهه ملی و حزب زحمتکشان فرمان داده، اداره می‌کردند.<sup>۴۳</sup>

در جلسه ۱۹ آذر ماه نیز پیراسته دولت را به باد انتقاد گرفت و اظهار داشت:

امروز ملت ایران امنیت ندارد. در کشوری که سی میلیون بودجه دوایر تأمین‌اش است ریخته‌اند ادارات جرایم را غارت کرده‌اند. ما نخواهیم گذاشت که این اشخاص مملکت را به خون بکشند ما باید امروز اعلام کنیم تا دنیا بداند که در حکومت دکتر مصدق امنیت نیست.<sup>۴۴</sup>

در ادامه این جلسه مصدق که برای پاسخ گویی به نمایندگان در مجلس حضور یافته بود، طی سخنان خود اعلام داشت:

در هر مملکتی که اقلیت آزاد نباشد در مجلس صحبت بکنند آن مملکت به هیچ وجه ترقی نمی‌کند. اقلیت باید حرف‌های خود را بزند و مردم قضاوت کنند.<sup>۴۵</sup>

آخرین جلسه علنی مجلس شانزدهم در ۱۵ دی ماه ۱۳۳۰ برگزار شد لیکن پس از چند دقیقه با اعلام اینکه مجلس برای تشکیل جلسه‌ی خصوصی تعطیل می‌شود توسط رضاحکمت رئیس مجلس تعطیل گردید. در این جلسه سه فوریت طرح پیشنهادی راجع به انتخابات کمیسیون نظارت انتخابات به تصویب رسید و تعدادی از نمایندگان از جمله آشتیانی زاده سخنان کوتاهی بیان کردند وی در بخشی از سخنان خود اظهار داشت:

در جراید خارجی یک خبری را بنده دیدم که لازمست به اطلاع مجلس شورای ملی و ملت ایران برسانم و آن عبارت از ایجاد یک توطئه‌ای برای یک کودتای نظامی است. ملت ایران زیر بار هیچ نوع میلیتاریزم و قزاق بازی نمی‌رود.<sup>۴۶</sup>

آخرین جلسه‌ی خصوصی مجلس شانزدهم در شرایطی برگزار شد که ماموران دولت انگلستان با همکاری عوامل داخلی خود درصدد ایجاد ناامنی و درگیری و تظاهرات بر ضد دولت مصدق بودند. در روز ۲۷ بهمن ۱۳۳۰ آخرین جلسه خصوصی مجلس تشکیل یافت و در این جلسه مقرر شد هیئت رئیسه مجلس در مدت فترت و تا پیش از تشکیل مجلس هفدهم، امور مجلس را اداره نمایند. حسن ختام مجلس شانزدهم با نطق رادیویی رضا حکمت در روز ۲۹ بهمن ۱۳۳۰ ایراد گردید.

### نتیجه

مجلس شورای ملی دوره شانزدهم با ترکیبی نامتجانس و با اکثریتی طرفدار و یا وابسته به دربار پهلوی و اقلیتی طرفدار احیای نظام مشروطه و ملی شدن صنعت نفت، فعالیت خود را آغاز کرد. این مجلس از نظر ترکیب اجتماعی تفاوت چندانی با مجالس پیشین نداشت زیرا بیشتر اعضای آن از اқشار بالای جامعه بودند و هشتاد و پنج درصد نمایندگان این مجلس را زمین‌داران، تجار ثروتمند و یا کارمندان عالی‌رتبه دولت تشکیل می‌دادند. از نظر سیاسی نیز اکثریت نمایندگان طرفداران سلطنت و یا وابسته به دربار بودند و تنها تعداد اندکی از نمایندگان را طرفداران جبهه ملی تشکیل می‌دادند. بنابراین ناهمگونی سیاسی دولت و مجلس شانزدهم در ناکامی روند

اصلاحات اجتماعی این دوره موثر بود. اگرچه تلاش دولت‌های ساعد، منصور، رزم‌آرا و علاء بر حفظ وضع موجود و تصویب قرارداد نفتی با انگلستان بر اساس قراردادهای پیشین بود اما سرانجام جناح اقلیت مجلس موفق شد که قانون ملی شدن صنعت نفت را به تصویب برساند. با ملی شدن نفت موقعیت نمایندگان اقلیت بهبود یافت و اکثریت مجلس را با خود همراه ساخت. لیکن پس از انتخاب مصدق به مقام نخست‌وزیری و خروج وی از مجلس، به تدریج موقعیت نمایندگان وابسته به دربار و مخالفان دولت در مجلس تقویت گردید و رفته رفته بر شدت انتقادات آنان از دولت افزوده شد، به گونه‌ای که در ماه‌های پایانی مجلس، جناح راست و وابسته به دربار از انتقاد شدید به دولت و اهانت به شخص مصدق دریغی نداشت. اگرچه به دلیل ضعف بنیان‌های دموکراسی و فقدان مکانیسم جامعه مدنی، این مجلس نیز وارد جناح بندی‌های سیاسی شد و از فرصت مناسبی که در پی ملی شدن صنعت نفت پدید آمده بود، باید و شاید استفاده نکرد اما در مجموع از سایر مجالس دوره پهلوی اثرگذارتر و خوش‌آوازه‌تر بود.

### پی‌نوشت

- ۱- عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، نشر البرز، ۱۳۶۴. ص ۱۳۲.
- ۲- ازغندی، علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ج ۲، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۲۴.
- ۳- اطلاعات، ش ۶۹۸، ۱۳۲۸/۴/۲۸؛ مذاکرات مجلس پانزدهم، ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸.
- ۴- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲. ص ۳۱۱-۳۱۰.
- ۵- ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰) تهران، قومس، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵.
- ۶- شجیعی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۷۳.
- ۷- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۲۱.
- ۸- مصدق، محمد، خاطرات و تالمت مصدق، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۸۵، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.
- ۹- مذاکرات مجلس شورای ملی دوره شانزدهم، ۱۱ تیر ۱۳۲۹، نطق مظفر بقایی.



- ۱۰- مذاکرات مجلس شانزدهم، ۱۵ خرداد ۱۳۲۹، نطق محمد مصدق.
- ۱۱- مذاکرات مجلس شانزدهم، ۲۸ خرداد ۱۳۲۹، نامه کاشانی به مجلس.
- ۱۲- مذاکرات مجلس شانزدهم، ۶ تیرماه ۱۳۲۹.
- ۱۳- نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴، صص ۹۷-۹۶.
- ۱۴- همان، صص ۱۰۱-۱۰۲.
- ۱۵- همان، ص ۱۰۵.
- ۱۶- همان، ص ۱۰۸.
- ۱۷- مکی، حسین، کتاب سیاه، تهران، انتشارات نو، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۳۵۶.
- ۱۸- مذاکرات مجلس شانزدهم، (۱۹ آذر ۱۳۲۹).
- ۱۹- مذاکرات مجلس شانزدهم، (۲۵ تیر ۱۳۲۹).
- ۲۰- جهت آگاهی بیشتر ر.ک به: مذاکرات مجلس شانزدهم. (۱ تیر ۱۳۲۹).
- ۲۱- جهت آگاهی بیشتر در مورد ترور رزم‌آرا ر. ک. به: غلامرضا مصور رحمانی، ۲۵ سال خدمت در نیروی هوایی، تهران، رواق، ۱۳۶۴.
- ۲۲- مذاکرات مجلس شانزدهم، (۷ اردیبهشت ۱۳۳۰).
- ۲۳- مذاکرات مجلس شانزدهم، (۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰).
- ۲۴- آبراهامیان. ایران بین دو انقلاب، ص ۳۳۰.
- ۲۵- مذاکرات مجلس شانزدهم (۱۹ خرداد ۱۳۳۰).
- ۲۶- مذاکرات مجلس شانزدهم (۲۰ تیر ۱۳۳۰).
- ۲۷- مذاکرات مجلس شانزدهم (۲۳ تیر ۱۳۳۰).
- ۲۸- مذاکرات مجلس شانزدهم (۲۴ تیر ۱۳۳۰).
- ۲۹- همان.
- ۳۰- مذاکرات مجلس شانزدهم (۲۷ تیر ۱۳۳۰).
- ۳۱- همان.
- ۳۲- مذاکرات مجلس شانزدهم (۳۰ تیر ۱۳۳۰).
- ۳۳- مذاکرات مجلس شانزدهم (۳۰ شهریور ۱۳۳۰).
- ۳۴- همان.
- ۳۵- همان.
- ۳۶- مذاکرات مجلس شانزدهم (۲ مهر ۱۳۳۰).

- ۳۷- مذاکرات مجلس شانزدهم (۹ مهر ۱۳۳۰)
- ۳۸- همان.
- ۳۹- همان.
- ۴۰- غلامرضا نجاتی. جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران. ص ۱۹۱.
- ۴۱- همان. ص ۱۹۴-۱۹۳.
- ۴۲- مذاکرات مجلس شانزدهم (۱۷ آذر ۱۳۳۰).
- ۴۳- همان.
- ۴۴- مذاکرات مجلس شانزدهم (۱۹ آذر ۱۳۳۰).
- ۴۵- همان.
- ۴۶- مذاکرات مجلس شانزدهم (۱۵ دی ۱۳۳۰).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی